

نقدی بر کتاب ابعاد اقتصاد مقاومتی در صنعت نفت

فرهاد ترحمی*

علی اصغر اسفندیاری**

چکیده

محتوای کتاب "ابعاد اقتصاد مقاومتی در صنعت نفت" شامل متن سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، مکاتبات و بیانات انجام گرفته در این خصوص، تاریخچه صنعت نفت و اقدامات انجام شده توسط وزارت نفت در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی است. ضمن اینکه تلاش شده است که اقتصاد مقاومتی در راستای اقتصاد اسلامی تعریف گردد. گرچه این مطلب اثبات نمی‌شود. ساختار کتاب، خبری و خطابه‌ای است و از منابع علمی به اندازه کافی استفاده نشده است. لذا، هیچ‌گونه تحلیلی در خصوص ارتباط بین اقتصاد مقاومتی و بخش نفت مشاهده نمی‌شود. اثر فوق، به منظور کسب اطلاعات کلی از سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و برخی از برنامه‌های وزارت نفت در این حوزه، قابل استفاده است و علی‌رغم نظر نویسندگان اثر، مرجع کاملی در این حیطه علمی به شمار نمی‌آید. در این راستا، کوشش شده است که به اختصار محورهای مرتبط با بخش نفت خام و گاز طبیعی در راستای اقتصاد مقاومتی تبیین گردد و نقاط قوت و ضعف مشخص شود. تحلیل صورت گرفته شامل مواردی است که کتاب به آنها اشاره نکرده است و می‌تواند به عنوان مقدمه‌ای برای پژوهش‌های آتی مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد مقاومتی، بخش نفت، اقتصاد اسلامی، نقد کتاب.

* دکترای علوم اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسندهٔ مسؤل)، Tarahomi2009@gmail.com

** استادیار بازنشسته دانشگاه شهید چمران اهواز، aa_esfandiary@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۱۲، تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۲

۱. مقدمه

ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، بستر مناسبی را برای اندیشمندان فراهم آورده است تا از طریق آن بتوانند به بحث و تبادل نظر در خصوص مسائل اقتصاد ایران و ارائه راه‌کارهای مناسب بپردازند. از آنجا که کشور ایران دارای ذخائر غنی نفت خام و گاز طبیعی است، چهار بند از سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به بخش نفت و صنایع پایین دستی آن اختصاص یافته است که این امر نشان از اهمیت آن در تحقق اهداف سیاست‌های ابلاغی دارد. از سوی دیگر، اقتصاد مقاومتی غالباً با چهار رویکرد اقتصاد اسلامی، اقتصاد تحریم محور، اقتصاد تاب آور و اقتصاد ریاضتی معرفی شده است و هر یک از این رویکردها بر یک جنبه از اقتصاد مقاومتی تاکید کرده‌اند (میرجلیلی، ۱۳۹۵). ضمن اینکه، الزامات اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید ملی، افزایش بهره وریو حمایت از فعالیت‌های تولیدی است (مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۲). با توجه به نقش حیاتی نفت در اقتصاد ایران و تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان سازی آن به ویژه در محیط‌های علمی، آموزشی و رسانه‌ای و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی (بند ۲۱ سیاست‌های ابلاغی)، لازم است آثار چاپ شده مورد واکاوی و بررسی قرار گیرند. در این راستا، مقاله حاضر به بررسی یکی از کتب منتشر شده تحت عنوان ابعاد اقتصاد مقاومتی در صنعت نفت، می‌پردازد. این مقاله در پنج بخش تنظیم شده است. بعد از مقدمه و در بخش دوم، به اختصار کتاب معرفی می‌شود. سپس، ابعاد شکلی مورد توجه قرار می‌گیرد. ابعاد محتوایی اثر در بخش چهارم تحلیل می‌شود. موارد مرتبط با بخش نفت خام و گاز طبیعی در راستای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و ابعاد سلبی (کاهش وابستگی به نفت) و ایجابی بخش نفت (نقش درآمدهای نفتی در توسعه) با توجه به متن سیاست، در بخش پنجم آورده شده است. در بخش پایانی، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ذکر گردیده است.

۲. معرفی کتاب

کتاب «ابعاد اقتصاد مقاومتی در صنعت نفت» نوشته محمد شریف ملک زاده و مرتضی عابدینی توسط انتشارات جنگل در ۱۰۰۰ نسخه و با قیمت ۱۳۰۰۰۰ ریال برای نخستین بار در سال ۱۳۹۴ به چاپ رسیده است. آن چه از عنوان کتاب بر می‌آید، هدف از تالیف، بررسی ارتباط بین بخش نفت و صنایع پایین دستی آنو اقتصاد مقاومتی است. این اثر شامل یک مقدمه و پنج فصل است. فصل اول کتاب، به مفاهیم مربوط به اقتصاد اسلامی

می‌پردازد. در این فصل، پس از تعریف اقتصاد در اسلام و اهداف اقتصاد اسلامی، بر بومی سازی اقتصاد تاکید شده است. فصل دوم، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را مورد بررسی قرار می‌دهد. متن سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، تبیین اقتصاد مقاومتی، نقش شرکت‌های دانش بنیان در اقتصاد مقاومتی و مکاتبات صورت گرفته، در این بخش ذکر شده اند. فصل سوم، به تاریخچه نفت در ایران اشاره دارد. تحولات صنعت نفت و امتیازات داده شده به بیگانگان از جمله موضوعاتی است که مورد بررسی قرار گرفته است. در فصل چهارم، سیاست‌های کلی جمهوری اسلامی در خصوص انرژی در قالب اسناد بالادستی و مواد مربوط به برنامه‌های پنج ساله توسعه مدنظر قرار گرفته است. فصل پنجم به برنامه راهبردی اقتصاد مقاومتی در صنعت نفت ایران اختصاص یافته است. در این راستا، مواردی نظیر برنامه‌ها، اهداف و سیاست‌های وزارت نفت در زمینه اقتصاد مقاومتی، مطرح نظر بوده است.

۳. بررسی شکلی کتاب

به طور کل، هر نقد علمی باید ابعاد شکلی اثر را از نظر میزان جامعیت صوری، کیفیت چاپ و نشر، رعایت اصول نگارش و التزام به قواعد ویرایش تخصصی و میزان روان و رسا بودن، مورد بررسی و نقد قرار دهد (شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، ۱۳۹۰). در ضمن، چون ممکن است این کتب در برنامه آموزشی به عنوان منبع درسی و یا کمک درسی مورد استفاده قرار گیرند، لازم است از نظر قابلیت کاربرد در برنامه آموزشی نیز مورد ارزیابی و نقد قرار گیرند (زراء نژاد، ۱۳۹۵). به همین دلیل، در این بخش، به بررسی نقاط قوت و ضعف ابعاد شکلی کتاب پرداخته می‌شود.

۱.۳ نگرش کلی به کتاب

اثر مورد بررسی، فاقد پیشگفتار است و با مقدمه مولفین شروع می‌شود. در مقدمه، به اهداف کتاب اشاره نگردیده است و تنها به نامگذاری سال‌ها از ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۳ پرداخته شده است. فهرست مطالب به صورت تفصیلی تنظیم شده است و جداول، نمودارها و اشکال، فاقد فهرست جداگانه هستند. با توجه به موضوع پژوهش که اقتضا می‌کند، شاخص‌ها به صورت نمودار و جدول ارائه شوند، ۳۰ جدول (طبق شماره گذاری صورت گرفته توسط نویسندگان)، مورد استفاده قرار گرفته است. لیکن، جداول فصل پنجم (صص

۱۹۰ تا ۱۹۴)، شماره گذاری نشده اند. ضمن این که برخی از نمودارها و اشکال فاقد شماره هستند (به عنوان نمونه، صفحات ۷۹ و ۸۶). به علاوه، اکثر جداول، نمودارها و اشکال، منبع ندارند (به عنوان مثال، صفحات ۱۴۲ و ۱۴۳). موارد فوق موجب می شود که درک و فهم مطالب با سختی بیشتری صورت پذیرد. لازم به ذکر است که اثر، به منظور استفاده به عنوان منبع درسی تالیف نشده است. به همین دلیل در قالب یک درسنامه و یا کتاب درسی قرار نگرفته است. بنابراین، کاربرد آن در برنامه آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ضعیف است. اما می تواند یک نگرش کلی در خصوص سیاست های اقتصاد مقاومتی، به دانشجویان و علاقه مندان بدهد. از نظر روند بیان مطالب در هر فصل، کتاب، فاقد مقدمه و نتیجه گیری جداگانه در هر فصل است (فقط فصل سوم دارای مقدمه است). ضمن اینکه جمع بندی در پایان کتاب بسیار مختصر و ناکافی است و از متن، برگرفته نشده است. به علاوه، منابع برای کسب اطلاعات بیشتر یا پیشنهاد پژوهشی برای تکمیل این تحقیق، در پایان فصول و یا در پایان کتاب، ارائه نشده است. به طور کل، نمایه ای برای اعلام، موضوعات، منابع و اصطلاحات به کار رفته در اثر تنظیم نشده و فقط به تهیه فهرستی از منابع استفاده شده در متن اثر، اکتفا شده است. لازم به یادآوری است، منابع به ترتیب حروف الفبا نیست و به یک شکل معین قرار نگرفته اند. در ضمن، سه منبع فارسی به اشتباه در بخش منابع انگلیسی جای گرفته اند (ص ۲۱۱). برخی از منابع ذکر شده در انتهای در متن مورد استفاده واقع نشده است (به عنوان نمونه، منابع ۱۹ و ۲۶). شایان ذکر است، شناخت برخی از منابع به دلیل کم دقتی در نگارش، برای خواننده مشکل است (مانند ماخذ ۱۱).

۲.۳ کیفیت ظاهری و فنی

منظور از بررسی کیفیت ظاهری و فنی اثر این است که مولفه هایی مانند طرح روی جلد، حروف نگاری، صفحه آرایی، چاپ و صحافی مورد بررسی قرار گیرد و نمونه خوانی اثر از نظر وجود اغلاط املائی و چاپی مورد بررسی قرار گیرد (زرءانژاد، ۱۳۹۵).

۱.۲.۳ طرح جلد کتاب

طرح روی جلد، نماد و نشان مشخصی از اقتصاد مقاومتی ندارد. پشت جلد نیز، اختصاص به اسامی ۱۴ جلد از کتبی دارد که توسط نویسنده چاپ شده است. لازم به ذکر است که نماد دانشگاه عدالت در رو و پشت جلد چاپ شده است که ارتباط آن با انتشارات جنگل (ناشر کتاب)، مشخص نیست (۱).

۲.۲.۳ حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی

در این بخش موارد ذیل، قابل تامل است:

- اندازه حروف انگلیسی، همانند حروف فارسی درج شده است (به عنوان نمونه، صص ۵۸ الی ۶۰، صفحات ۶۹ و ۷۱) این در حالی است که معمولاً، حروف انگلیسی به اندازه دو فونت کوچکتر از حروف فارسی نوشته می‌شوند تا به زیبایی متن افزوده شود.
- فونت سر تیترها در اغلب موارد Nazanin B است. در حالی که در بعضی از صفحات از فونت B Titr استفاده شده است (نظیر صفحه ۷۹).
- جا افتادگی‌های زیادی در کتاب وجود دارد که مطالعه را برای خواننده دشوار می‌کند (به عنوان مثال، صفحات ۴۱ و ۹۷).
- در برخی از موارد، در خصوص نحوه تایپ فونت‌های فارسی و انگلیسی غفلت شده است (همانند تایپ عدد ۱۳۲۸ در صفحه ۶۳ و عدد ۶۰ در صفحه ۶۹ کتاب).
- در خصوص فاصله بین کلمات دقت لازم به عمل نیامده است. به عنوان نمونه در صفحات ۶، ۷، ۱۰ و ۵۷ چنین وضعیتی وجود دارد.
- برخی از جداول به صورت عکس (Image) در کتاب مورد استفاده قرار گرفته اند. این امر موجب شده است که ارقام به آسانی قابل خواندن نباشد. نمونه چنین وضعیتی در صفحات ۱۳۹ و ۱۶۴ مشاهده می‌شود.
- با توجه به موارد فوق، کیفیت حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی اثر، متوسط ارزیابی می‌شود.

۳.۲.۳ کیفیت چاپ، صحافی و قطع اثر

از مشخصات چاپ مطلوب در حالت سیاه و سفید، می‌توان به درجه وضوح چاپ، ثبات رنگ و ترکیب بهینه رنگ‌های سفید و سیاه برای ساخت طیفی از رنگ‌های میان سیاه و سفید با پرده‌های گوناگون خاکستری (رنگ‌های خنثی) برای استفاده در جداول و نمودارها اشاره کرد (زرء نژاد، ۱۳۹۵). کتاب مورد بررسی، از درجه وضوح چاپ حروف و ثبات رنگ، خوب است. علی‌رغم فراهم بودن امکان استفاده از طیف بیشتر رنگ‌های خاکستری

در نمودارها و جداول، برای زیبایی و به منظور تفهیم بهتر، تنها از رنگ خاکستری سیر استفاده شده است. اما این امر، خلل محسوسی ایجاد نکرده است. بنابراین، کیفیت چاپ کتاب، خوب ارزیابی می‌شود. از نظر قطع اثر، لازم به یادآوری است که اکنون، رایج‌ترین قطع برای کتاب، غالباً قطع وزیری با ابعاد متغیر در فاصله ۲۰×۱۳ تا ۲۶×۲۰ سانتی متر است (سید اخلاقی، ۱۳۸۰). قطع اثر مورد بررسی، وزیری با ابعاد ۲۳.۵×۱۶.۵ است. با توجه به تعداد صفحات کتاب، قطع انتخاب شده، مناسب است. ضمن اینکه به نظر می‌رسد، شیرازه کتاب در برابر تعدد دفعات استفاده از آن مقاوم باشد. لذا، کیفیت صحافی اثر خوب ارزیابی می‌شود. با توجه به مطالب ذکر شده، کیفیت چاپ، صحافی و قطع اثر، مطلوب است.

۴.۲.۳ نمونه خوانی و اغلاط چاپی

نمونه خوانی مطلوب موجب می‌شود که متن حروف نگاری شده از نظر مطابقت با رسم الخط، یکپارچگی متن و تصحیح غلط‌های چاپی و املائی، به صورت مناسبی تهیه شده باشد. بررسی متن کتاب نشان می‌دهد که نمونه خوانی از نظر تصحیح اغلاط املائی و چاپی، ضعیف است. غلط‌های چاپی زیادی در کتاب وجود دارد که می‌توان آن‌ها را در گروه‌های ذیل، تقسیم نمود:

- کلماتی که روی هم نوشته شده است و می‌تواند جداگانه تحریر شود. مانند اینگونه (ص ۹)، مطلبید (ص ۲۱) (۲)، نمیبود (ص ۳۵). نمونه‌های دیگری نیز وجود دارند که در اینجا از آنها صرف نظر می‌شود.
- ارجاع در متن براساس اصول APA (American Psychological Association) صورت نگرفته است. نمونه‌هایی از این کاستی را می‌توان در صفحات ۳ (کتاب حقوق و عدالت) و آیات برگرفته از قرآن کریم (ص ۵) مشاهده نمود.
- غلط‌های املائی به وفور در متن یافت می‌شوند. نکته مهم این جاست که این اشتباهات املائی در تمامی کتاب وجود دارد و منحصر به فصل و یا بخش خاصی نمی‌شود. نمونه‌هایی از این اشتباهات عبارتند از: آب‌هامات (ابهامات. ۱۰ و ۱۱)، بهرداری (بهره برداری، ص ۴۳)، دراسی (داری، ص ۶۱)، بلغ (بالغ، ص ۱۳۰)، بوه (بوده، ص ۱۳۱)، وزات (وزارت، ص ۱۸۱)، مقاومنی (مقاومتی، ص ۱۸۲)، منبع (منابع، ص ۱۸۲).

۵.۲.۳ اصول عمومی نگارش و قواعد ویرایش تخصصی

یکی از عوامل موثر در پذیرش و اقبال به آثار علمی، رعایت اصول نگارش و قواعد ویرایش است. در این بخش، اثر حاضر از نظر رعایت قواعد نگارشی نظیر جدانویسی واژه‌ها، پیشوندها و پسوندها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (زرّاء نژاد، ۱۳۹۵). در این خصوص، موارد زیر می‌تواند در کتاب، مورد توجه قرار گیرد:

- در برخی از موارد از علامت کاما استفاده نشده و این امر، درک مطلب را دشوار می‌کند. به عنوان مثال در صفحه ۴ بعد از کلمات موانع (سطر ۵)، از دیگر سو (سطر ۱۲)، رو به رشد (سطر ۲۰) و رسول اکرم (ص) (سطر ۲۲) این کاستی وجود دارد.
- عدم رعایت فاصله یکسان بین کلمات، خلل دیگری است که در کتاب بسیار به چشم می‌خورد. به عنوان نمونه در صفحه ۴ در سطور ۸ و ۱۸ این مشکل مشاهده می‌شود. مثال‌هایی دیگر از این نقص را می‌توان در صفحات ۶ (سطور ۱۱ و ۱۵)، ۷ (سطر ۱۵)، ۱۰ (سطر ۹) یافت.
- گاهی مواقع، یک کلمه یا جمله دو بار تکرار شده است. به عنوان نمونه کلمه شرکت در صفحه ۶۳ (سطر چهارم)، مجدداً تکرار شده است. مثال‌های دیگر از این نوع کاستی در صفحات ۲۱ (سطر ۱۶)، ۴۹ (سطر دوم) و ۸۸ (سطر ۱۸) وجود دارد.
- گاهی اوقات در متن، بعد از نقطه، از حرف ربط "و" استفاده شده است. نمونه‌هایی از این کار را می‌توان در صفحات ۵۷ و ۱۶۱ (سطور آخر) یافت.
- در برخی از موارد، از درج نام انگلیسی اسامی در متن غفلت شده است. به عنوان مثال، اسامی سر آنتونین (ص ۶۰)، دالتون و دموگن، سر پرسی کاکس (ص ۶۲)، مک لین تاک (ص ۶۴) و آرمیتاژ اسمیت (ص ۶۵) چنین وضعیتی دارند. این در حالی است که باید در پانویس، اسامی انگلیسی افراد ذکر می‌گردید.
- گاهی اوقات، کلمه به صورت انگلیسی در متن ذکر شده است. در حالی که نگارش صحیح ایجاب می‌کند که عبارت به زبان فارسی در متن نوشته شود و در پانویس به صورت انگلیسی درج شود. به عنوان نمونه، Douvill و Drummond Wolff (ص ۶۰) و Templeton (ص ۷۴) از این موارد هستند.

- استفاده نادرست از نمادهایی نظیر "«" — "(ص ۶۲)، "»" (ص ۸۳)، "ی=" و "#++" (ص ۱۴۰)، به زیبایی متن صدمه زده است و درک مطلب را دشوار می‌کند.
- لذا میتوان گفت که کتاب، نیاز به ویرایش مجدد دارد.

۶.۲.۳ میزان روان و رسا بودن متن

متن علمی باید رسا و روان باشد. منظور از رسا بودن متن این است که محتوای آن، برای مخاطبان مشخص و قابل فهم باشد. لازمه رسا بودن این است که متن با انشایی درخور مباحث علمی و با استفاده از اصطلاحات و تعبیرهای خاص آن علم تهیه شده باشد. روان بودن متن نیز به این معناست که نثر کتاب ابهام نداشته و از انسجام معنایی، برخوردار باشد. این امر مستلزم آن است که ابتدا، اجزای سخن در جای خود نشانده شود. سپس، بین جملات یک پاراگراف و نیز میان پاراگراف‌های یک قسمت، پیوند و ارتباط برقرار گردد (زراد، ۱۳۹۵). مصادیق این امر را می‌توان در یکسان بودن ساختار جملات، اجتناب از گزارش مکرر ارقام جداول و نمودارها و عدم استفاده از جملات طولانی دانست. به طور کل، متن کتاب نسبتاً روان است. گرچه در برخی از موارد، به یکباره حالت خبری می‌گیرد (به عنوان مثال صفحه ۲۷). در حالی که این امکان وجود داشت که در صفحه مورد اشاره، مفهومیانات، توسط نویسندگان احصا شود و پس از بازنویسی و با توجه به ادبیات اقتصادی، در متن قرار گیرد. لازمه پژوهش علمی، تحلیل و تفسیر است و ذکر سخنان به تنهایی، وافی به مقصود نیست. در صفحه ۳۴، پس از تیتیر "ارکان اقتصاد مقاومتی"، نیز همین مشکل وجود دارد. به عنوان مثال پس از زیر تیتیر "الف-مقاوم بودن اقتصاد" (مربوط به بخش ارکان اقتصاد مقاومتی)، مجدداً جملات خبری درج شده است. در صفحه ۴۳ و در بخش "تبیین پیامدهای مثبت، چالش‌ها و راهکارهای تحقق اقتصاد مقاومتی"، متن کتاب حالت گزارش خبری به خود می‌گیرد. در ادامه نیز مکاتبات بین دولت و دفتر رهبری درج شده است که با نثر دو بخش فوق الذکر متفاوت است. بنابراین، روان بودن متن کتاب خصوصاً در فصل دوم، مورد تردید است. گاهی اوقات نیز جملات شعارگونه در کتاب دیده می‌شود. حال آنکه متن کتب علمی می‌باید فارغ از این نوع بیان باشد. به عنوان مثال، در صفحه ۱۰۷ آورده شده است: "تلاش برای روزآمدی، تلاش برای ماندگاری است." برخی از جملات نیز بسیار ثقیل نوشته شده‌اند. در صفحه ۱۱۹ چنین آورده شده است: "نظر به اهمیت ویژه اقتصاد مقاومتی و در راستای اجرای سیاست‌های ابلاغی مقام

معظم رهبری راجع به اقتصاد مقاومتی، به منظور بررسی، تصویب و راهبری اقتصاد مقاومتی و نظارت بر عملیات اجرایی آنها، ستاد راهبری و مدیریت اقتصاد مقاومتی به ریاست معاون اول رئیس جمهور با وظایف زیر تشکیل گردید که با تاکید مقام معظم رهبری، ستاد راهبری اقتصاد مقاومتی به ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی، تغییر نام داد. همان گونه که ملاحظه می‌شود در عبارت فوق، شش بار کلمه اقتصاد مقاومتی به کار رفته است. در حالی که این امکان وجود داشت که عبارت فوق با اختصار بیشتری نوشته شود. بنابراین، روان و رسا بودن متن کتاب، متوسط ارزیابی می‌شود.

۴. بررسی ابعاد محتوایی اثر

برای بررسی ابعاد محتوایی اثر باید قدرت تحلیل علمی مساله یا مسائل مورد نظر، کیفیت تحلیل، شیوه نقد، بی طرفی علمی و نوآوری، ارزیابی شود. ضمن اینکه محتوای کتاب از نظر ساختار درونی (بنایی) و ساختار برونی (مبنایی)، مورد نقد قرار گیرد (زرانژاد، ۱۳۹۵).

۱.۴ توان و کیفیت تحلیل علمی

هدف پژوهش، تحلیل ابعاد اقتصاد مقاومتی در صنعت نفت است. لذا، انتظار می‌رود محورهای مرتبط با بخش نفت خام و گاز طبیعی با توجه به سیاست‌های ابلاغی استخراج شود و از جنبه‌های گوناگون مورد بررسی قرار گیرد. عنوان فصل اول، اقتصاد است. لیکن، فقط سه خط اختصاص به تعریف علم اقتصاد دارد و بقیه متن شامل تبیین مفهوم عدالت است. اهمیت اقتصاد در اسلام، مقاصد اقتصاد اسلامی و ویژگی‌های نظام اقتصادی اسلام، از دیگر مواردی است که در فصل اول مورد بررسی قرار گرفته است. به نظر می‌رسد آنچه در این فصل مورد تاکید نویسندگان است، ارائه یک الگوی بومی برای اقتصاد ایران با توجه به فرهنگ، ارزش و جهان بینی خاص آموزه‌های اسلامی و ایرانی است (ص ۱۵). در این راستا معتقدند "رویکرد بومی قائل به ضرورت جرح و تعدیل و نقد و مبارزه فکری و تصرف در نظریات اقتصادی غربی است (ص ۸)". و لذا، رویکرد تطبیقی را بر رویکرد تقلیدی ارجح می‌دانند. با توجه به مطالب مطرح شده در فصل اول، انتظار می‌رود که نویسندگان در ادامه کتاب، به شرح الگویی برای اقتصاد ایران (با تاکید بر بخش نفت) با رویکرد تطبیقی بپردازند و آن را شرح دهند و یا لاقلاً با اقتصاد مقاومتی مرتبط سازند. ولی این موضوع، در ادامه مورد توجه قرار نمی‌گیرد. ضمن این که مصادیق رویکرد تطبیقی و

تقلیدی بیان نشده است و صرفاً تأکید گردیده است که رویکرد تطبیقی بر تقلیدی مرجح است. آن چه از نظر نویسندگان استنباط می‌شود این است که سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، یک رویکرد تطبیقی نسبت به اقتصاد ایران دارد. گرچه این مساله به صراحت آورده نشده است و نقش نفت (به عنوان موضوع پژوهش) مسکوت مانده است. فصل دوم، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نام دارد. محتوای این فصل، شامل متن سیاست‌های ابلاغی، مکاتبات و سخنرانی‌های صورت گرفته پیرامون آن است. مطالعه فصل نشان می‌دهد که هیچ گونه تحلیلی در خصوص بندهای اقتصاد مقاومتی و ارتباط آن با بخش نفت انجام نشده است. به علاوه، ارتباط بین فصل اول (مباحث مربوط به اقتصاد اسلامی و رویکردهای تطبیقی و تقلیدی) با فصل دوم تبیین نشده است. در فصل سوم، تاریخچه صنعت نفت مورد بررسی قرار گرفته است. مباحثی همچون تاریخچه نفت، امتیازات داده شده به بیگانگان و تحولات نفت در دوران قبل و بعد از انقلاب در این فصل آورده شده است. مطالب این فصل، هدف معینی را دنبال نمی‌کند. به عنوان مثال، به چگونگی تشکیل وزارت نفت در دوران پس از انقلاب اشاره شده است و سپس با استفاده از اطلاعات نسبتاً قدیمی (صفحه ۸۷ و با توجه به اشاره ذکر شده در کتاب مبنی بر بیست و چهارمین سال خوداتکایی و تجلی حقیقی صنعت نفت) (۳)، به حماسه بازسازی و توسعه پرداخته شده است. لیکن، ادامه موضوع، رها شده است. در حالی که توجه به بخش نفت از دو منظر درآمدی و پیوندهای بین بخشی می‌توانست طی سال‌های مختلف، مورد توجه نویسندگان قرار گیرد. به علاوه، ذکر تاریخچه نفت و امتیازات داده شده به بیگانگان گرچه مفید است ولی ارتباطی با موضوع بحث ندارد. خوشبختانه، بندهای مرتبط با نفت و صنایع مرتبط با آن در اقتصاد مقاومتی مشخص است و نویسندگان می‌توانستند با به کارگیری آمار و اطلاعات و مدل‌های اقتصادی مناسب، به تحلیل در این خصوص بپردازند. در مواردی نیز به صورت گذرا به نکاتی بدون اثبات و تحلیل اشاره شده است. به عنوان نمونه در صفحه ۸۸ آورده شده است: "درآمد ارزی حاصل از فروش نفت خام در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱ که قیمت نفت خام بیش از ۱۱۰ دلار در هر بشکه رسید، به جای افزایش رفاه و توسعه اقتصادی، تورم دو رقمی به ارمغان آورد. واضح است که کاهش شدید نرخ نفت در دوره اخیر، همچون شرایط دهه ۱۹۸۰، برای کشور شرایط نامطلوبی ایجاد خواهد نمود." در این خصوص، دو نکته حائز اهمیت است: الف- تحلیلی در خصوص آن که چرا افزایش قیمت نفت موجب تورم دو رقمی گردیده است (به زعم نویسندگان)، انجام نشده است و ب- کاهش شدید نرخ نفت در دوره‌های اخیر دارای ابهام است و دقیقاً زمان آن تصریح نشده

است. در فصل چهارم، سیاست‌های کلی جمهوری اسلامی در خصوص انرژی بررسی شده است. مواردی نظیر قانون برنامه پنجم توسعه، برنامه‌های پیشنهادی وزارت نفت، مقایسه برنامه پنجم و چهارم توسعه در خصوص بخش نفت در این فصل بحث شده است. لازم به یادآوری است که مقایسه برنامه‌های پنجم و چهارم در حال حاضر موضوعیت ندارد (نزدیک به ۱۰ صفحه کتاب به این اختصاص پیدا کرده است) و باید برنامه ششم توسعه مورد بررسی دقیق قرار گیرد (فقط یک صفحه کتاب به این برنامه پرداخته است). نکته جالب آن که بلافاصله پس از مباحث فوق، نگرشی به بخش انرژی کشور در سال ۱۳۹۲ شده است و سپس با استفاده از آمار جهانی، وضعیت کشور در مورد شدت انرژی، ذکر شده است. در تمامی موارد فوق به درج آمار و رقم خوانی بسنده شده و تحلیلی (هر چند مختصر) در خصوص بخش نفت مشاهده نمی‌شود. در فصل پنجم، برنامه راهبردی اقتصاد مقاومتی در صنعت نفت ایران بررسی شده است. همانند فصل چهارم، این فصل به طور کامل به بازنویسی مجدد برنامه‌های وزارت نفت در زمینه اقتصاد مقاومتی اختصاص دارد. نمونه این مطالب را می‌توان در نشریه‌های داخلی وزارت نفت و وبگاه‌های مرتبط یافت. نبود تحلیل و بررسی، نقطه ضعف اصلی این فصل است. آخرین بخش کتاب، به نتیجه‌گیری اختصاص یافته است. بخش فوق‌الذکر بسیار مختصر بوده (نزدیک به سه صفحه) و مجدداً به صورت اجمالی مواردی خطاب به وار درج شده است. حال آنکه این فصل باید از مطالب مندرج در کتاب برگرفته شود.

علاوه بر به موارد فوق، مطالب زیر در خصوص کیفیت تحلیل علمی کتاب، قابل ذکر است:

- ابزار علمی مورد استفاده، منحصر به جدول است. به کارگیری نمودار و مدل‌های اقتصادی در کتاب مورد توجه قرار نگرفته است.
- کتاب فاقد ادبیات موضوع است و این امر کاستی بزرگی خصوصاً در نتیجه‌گیری پایان کتاب به وجود آورده است. زیرا نتیجه‌گیری یک پژوهش اقتصادی مطلوب از تحلیل داده‌ها و در بستر ادبیات موضوع شکل می‌گیرد.
- مروری بر پژوهش‌های انجام شده مرتبط با موضوع، مورد توجه نویسندگان قرار نگرفته است. این امر، موجب شده است که کتاب فاقد بررسی و نقد آثار دیگران باشد.

- نوآوری در هیچ یک از فصل‌های کتاب مشاهده نمی‌شود. انبوهی از اطلاعات کلی و عمومی در خصوص اقتصاد مقاومتی و بخش نفت در فصول مختلف قرار گرفته است.

۲.۴ نقد درون ساختاری

در این بخش، میزان انسجام و نظم منطقی مطالب و اعتبار و کفایت منابع علمی و نحوه استفاده صحیح از آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱.۲.۴ میزان انسجام و نظم منطقی

یکی از مواردی که در پژوهش‌های علمی حائز اهمیت فراوان است، انسجام مطالب در درون هر فصل، بین فصل‌ها و در نتیجه، کل کتاب است. در فصل اول کتاب، به مفاهیم مربوط به اقتصاد اسلامی پرداخته شده است. لیکن در ادامه، به این مسائل اصلاً اشاره نمی‌شود و ارتباط آن با صنعت نفت و اقتصاد مقاومتی مغفول مانده است. فصل دوم به گونه خبری و خطابه‌ای، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بررسی شده است که یک سری اطلاعات کلی به خواننده منتقل می‌کند. در فصل سوم، به تاریخچه نفت ایران اشاره شده است. این بخش، با عنوان کتاب مبنی بر ارتباط بین صنعت نفت و اقتصاد مقاومتی در یک راستا نیست. زیرا انتظار می‌رود که در فصل سوم، نقش بخش نفت در اقتصاد ایران از ابعاد مختلف، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و در نهایت ارتباط آن با اقتصاد مقاومتی مشخص گردد. در همین فصل، به ناگاه و در صفحه ۸۶ به نمودار سازمانی وزارت نفت اشاره شده است. ضمن اینکه در تحلیل وضعیت صنعت نفت، به دوران جنگ تحمیلی اشاره نشده است و به یکباره بررسی روند تاریخی از سال ۱۳۵۸ به خاتمه جنگ منتقل شده است (صفحات ۸۲ و ۸۶). در خصوص مبحث "بررسی سیاست‌های کلی جمهوری اسلامی ایران در بخش نفت و گاز" نیز مطالبی مطرح شده است که ارتباطی موضوع ندارد (صفحه ۸۷). به عنوان نمونه، ذکر آمارهای رسمی سال ۱۳۹۲ بانک مرکزی و کاهش شدید قیمت نفت از اوایل سال ۲۰۱۴، ارتباطی با سیاست‌های کلی جمهوری اسلامی ندارد. در صفحه ۸۸، عنوان "حال چه اقدامی در جهت رشد و شکوفایی اقتصاد کشور پیشنهاد می‌شود" مطرح شده است که مجدداً ارتباطی با موضوع قبل ندارد. در فصل چهارم، سیاست‌های کلی جمهوری اسلامی در خصوص انرژی مورد بررسی قرار گرفته است. در این راستا،

سیاست‌های کلی انرژی در یک صفحه آورده شده است و سپس، به مواد قانون برنامه پنجم اشاره گردیده است. ولی در صفحه ۱۳۰ به یکباره عنوان "نگرشی به بخش انرژی کشور در سال ۱۳۹۲" آورده شده است که مرتبط با سیاست‌های کلی جمهوری اسلامی در خصوص انرژی نیست. بدیهی است عنوان فوق، ناظر به عملکرد بخش انرژی کشور است و انسجام متن را خدشه دار می‌کند. این روند تا پایان فصل (صفحه ۱۷۷) ادامه می‌یابد. در فصل آخر نیز به برنامه راهبردی اقتصاد مقاومتی در صنعت نفت ایران اشاره شده است که شامل برنامه‌ها و طرح‌هایی است که قرار است در آینده اجرا شود. با عنایت به موارد فوق می‌توان گفت که کیفیت ارتباط مفاهیم درون فصل‌ها، متوسط است. ضمن این که ارتباطی بین مفاهیم مندرج در بین فصل‌ها مشاهده نمی‌شود.

۲.۲.۴ اعتبار منابع و کیفیت استنادات

منابع به کار گرفته شده در خصوص برخی از جداول، BP (British Petroleum Statistical) بانک مرکزی ذکر شده است. ضمن اینکه بسیاری از آن‌ها در متن فاقد منبع و سند است. به عنوان نمونه، جداول ۷-۴۸، ۹-۴، ۱۰-۴ چنین وضعیتی دارند. از آن جا که کتاب، ماهیت تحلیلی ندارد، گزارش‌های متعدد و پراکنده از وبگاه‌های مختلف و یا مجلات اخذ شده است که برای خواننده، منشا نامعلوم دارند. به علاوه، بسیاری از منابع انتهایی کتاب که در متن مورد استفاده نویسندگان قرار نگرفته اند، نسبتاً قدیمی هستند و از کتب و مقالات برجسته در علم اقتصاد به شمار نمی‌آیند (نظیر منابع ۱۷ تا ۲۰ انگلیسی). در مواردی بسیار اندک که نویسندگان به تحلیل می‌پردازند، ارجاعات در متن مشخص نشده است. به عنوان نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- کاهش شدید قیمت نفت که از اوایل سال ۲۰۱۴ شروع شد، حاکی از تغییرات زیربنایی بازار جهانی نفت می‌باشد (ص ۸۸).
- درآمد ارزی حاصل از فروش نفت خام در سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۸۴ که قیمت نفت خام به بیش از ۱۱۰ دلار در هر بشکه رسید، به جای افزایش رفاه و توسعه اقتصادی، تورم دو رقمی به ارمغان آورد (ص ۸۸).
- به طور کل در اثر، به اندازه کافی از منابع معتبر علمی به منظور تبیین موضوع استفاده نشده است و کتاب از لحاظ رعایت امانت، میزان دقت در استنادات و ارجاعات و توجه به اصول منبع دهی، مطلوب نیست.

۳.۴ نقد درون ساختاری

برای بررسی ساختار برونی اثر، باید میزان هماهنگی مفاد آن با اصول و مبانی مفروض کتاب و نیز میزان ارتباط و چالش مفاد اثر با مبانی و اصول دینی و اسلامی تحلیل و بررسی شود (زرانژاد، ۱۳۹۵).

۱.۳.۴ سازگاری با مبانی و پیش فرض های مفروض

به طور کل، هدف کتاب به طور مشخص تصریح نشده است. اما به طور ضمنی دریافت می شود که نویسندگان تلاش نموده اند که اثرات متقابل اقتصاد مقاومتی و بخش نفت را تبیین کنند. اما از آنجا که ساختار خطابه ای و خبری بر کتاب حاکم است و اثر فاقد هر گونه تحلیل یا استناد علمی است، این امر، محقق نشده است. جهت گیری به سمت هیچ یک از مکتب های اقتصادی در کتاب به چشم نمی خورد. در فصل اول، به اقتصاد اسلامی اشاره شده است. ولی ارتباط آن با اقتصاد مقاومتی مشخص نگردیده است. شاید بتوان به طور تلویحی استنباط کرد که نویسندگان اقتصاد مقاومتی را با اقتصاد اسلامی در یک راستا دانسته اند. در هر حال، هدف اثر و پیش فرض های آن و پی بردن به مفاهیم آنها در متن کتاب، نامعلوم است.

۲.۳.۴ سازگاری با مبانی و پیش فرض های اسلامی

با توجه به اینکه در فصل اول، مباحث مربوط به اقتصاد اسلامی آورده شده است و سعی نویسندگان بر این بوده است که اقتصاد مقاومتی را به اقتصاد اسلامی مرتبط سازند (گرچه در این مورد تحلیلی به کار نگرفته اند)، سازگاری کتاب با مبانی و نگرش اسلامی مطلوب ارزیابی می شود.

۵. بندهای مرتبط با بخش نفت در سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی

از آنجا که موضوع کتاب، بررسی ابعاد اقتصاد مقاومتی در صنعت نفت است، در این بخش کوشش می شود به صورت اجمالی، ارتباط بین اقتصاد مقاومتی و بخش نفت، تبیین شود. بدیهی است، گستره کار بسیار وسیع بوده و مواردی که ذکر خواهند شد، به عنوان مقدمه ای از مباحثی است که کتاب به آنها پرداخته است و می تواند در پژوهش های بعدی، مورد توجه قرار گیرد.

۱.۵ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و بخش نفت

به طور کل، چهار بند از سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به بخش نفت و گاز اختصاص دارد که عبارتند از:

بند ۱۳: این بند، مقابله با ضربه پذیری درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز را از طرق مختلف مدنظر قرار می‌دهد. افزایش صادرات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی (به عنوان صنایع پایین دستی نفت)، از جمله روش‌های اشاره شده در این بخش است.

بند ۱۴: در این بند، افزایش ذخائر راهبردی نفت و گاز کشور به منظور اثر گذاری در بازار جهانی نفت و گاز با تاکید بر حفظ میادین مشترک، مطمح نظر است.

بند ۱۵: افزایش ارزش افزوده بخش نفت از طریق تکمیل و توسعه زنجیره ارزش این بخش، مورد توجه واقع شده است.

بند ۱۸: افزایش سالانه سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز به منظور کنترل و نظارت بر درآمدهای نفتی تاکید قرار گرفته است. با تامل در بندهای فوق، موارد ذیل استنباط می‌گردد:

- درآمد حاصل از نفت و گاز، نقش مهمی را در اقتصاد ایران ایفا می‌کند. این نکته، در بند ۱۴ مورد تاکید قرار گرفته است. بنابراین، اقتصاد مقاومتی، توجه به درآمدهای نفتی را مدنظر قرار داده است.

- باید از درآمدهای به دست آمده به نحو مطلوب استفاده نمود. این امر از طریق افزایش سالانه سهم صندوق توسعه ملی (بند ۱۸) و توسعه بخش‌های پائین دستی آن به منظور افزایش صادرات (بند ۱۳)، انجام می‌پذیرد.

- از آنجا که بخش نفت در اقتصاد ایران دارای پیوندهای بسیار ضعیفی با سایر بخش‌های اقتصادی است، می‌باید از طریق توسعه صنایع پایین دستی آن، به خلق ارزش افزوده مبادرت نمود (بند ۱۵).

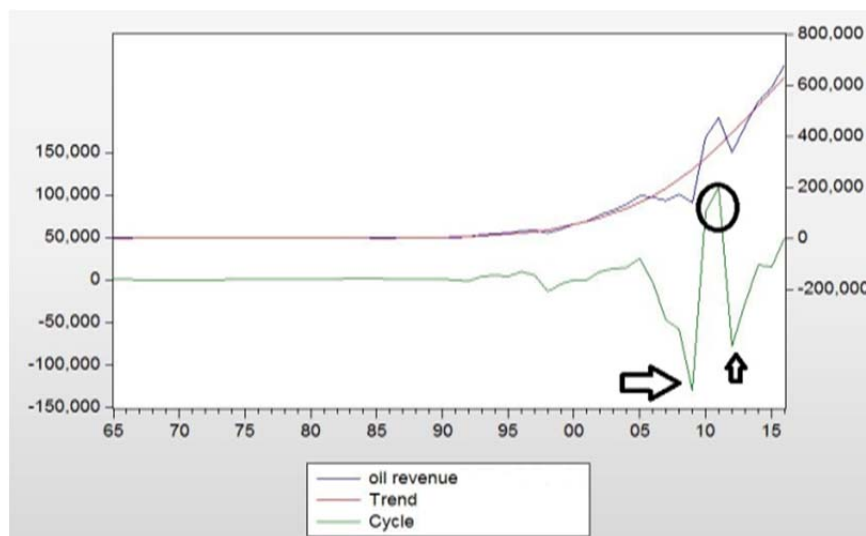
لذا، اقتصاد مقاومتی به صورت همزمان از دو جنبه درآمدی و پیوندهای بین بخشی، بخش نفت خام و گاز طبیعی را مورد توجه قرار می‌دهد. از بُعد درآمدی، نفت به عنوان یک کالای نهایی مورد توجه قرار می‌گیرد ولی در جنبه پیوندهای بین بخشی، بُعد واسطه‌ای بودن آن مورد تاکید است. لذا، ضروری است، به منظور ارتباط بین بخش نفت و اقتصاد مقاومتی، موارد فوق، با روش‌های مناسب مورد توجه قرار گیرد؛ مساله مهمی که در کتاب

مورد غفلت واقع شده است. در ادامه، تحلیل‌های آماری مختصر که می‌تواند به عنوان مقدمه در پژوهش‌های آتی مورد استفاده قرار گیرد، آورده شده است.

۲.۵ تحلیل آماری بندهای مرتبط با بخش نفت و گاز در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

در این بخش، به اختصار به بررسی آماری بندهای مرتبط با نفت و گاز در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی پرداخته می‌شود.

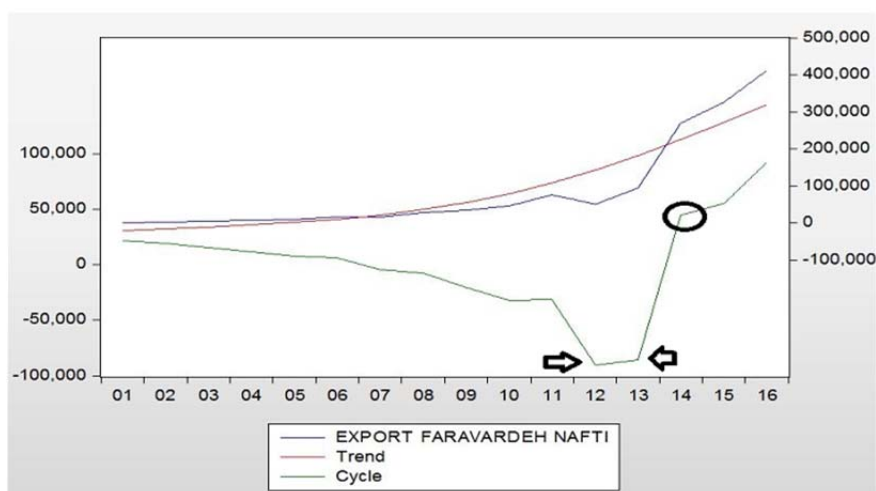
بند ۱۳: همان گونه که ذکر گردید، بند ۱۳، مقابله با ضربه پذیری درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز را مورد توجه قرار می‌دهد. بررسی چرخه‌های تجاری (Business Cycle)، درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران نشان می‌دهد که طی دوره ۱۹۶۵ تا ۲۰۱۶، روند درآمدهای نفتی ایران صعودی بوده است (خط قرمز در نمودار ۱). لیکن دارای نوسان‌های بسیار شدیدی به خصوص در سال‌های اخیر بوده است. وجود دو تکانه منفی در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۲ و تکانه‌های مثبت در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ (همان گونه که در نمودار مشخص شده است)، بیانگر این موضوع است.



نمودار ۱: چرخه‌های تجاری درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران (۱۹۶۵-۲۰۱۶) به قیمت ثابت ۲۰۱۰

منبع: محاسبات پژوهش بر اساس داده‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و فیلتر هادریک-پرسکات (Hodrick-Prescott)

با توجه به دو تکانه منفی شدید در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۲، لازم است به منظور مقابله با ضربه پذیری از منابع درآمدی دیگری استفاده شود. دو مورد ذکر شده افزایش صادرات پتروشیمی و افزایش فرآورده‌های نفتی (به عنوان بخش‌های پایین دستی نفت و گاز) هستند. نمودار ۲، چرخه‌های تجاری ارزش صادرات نفتی را نشان می‌دهد.

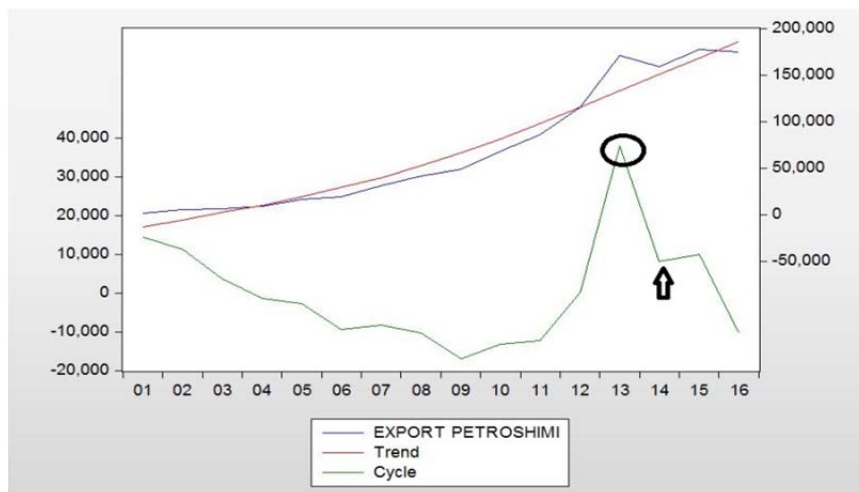


نمودار ۲: چرخه‌های تجاری ارزش صادرات فرآورده‌های نفتی در اقتصاد ایران (۲۰۰۱-۲۰۱۶) به قیمت ثابت ۲۰۱۰

منبع: محاسبات پژوهش براساس داده‌های مرکز آمار ایران و فیلتر هادریک-پرسکات

نمودار ۲ بیان می‌کند که روند ارزش صادرات فرآورده‌های نفتی در اقتصاد ایران طی دوره مذکور صعودی بوده است. لیکن در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳، دو تکانه منفی وجود داشته است و از سال ۲۰۱۴ این اثر برطرف می‌شود.

نمودار ۳، چرخه‌های تجاری ارزش صادرات پتروشیمی را به تصویر می‌کشد. به طور کل، روند ارزش صادرات پتروشیمی طی دوره ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۶ صعودی بوده است. ولی دارای نوسان‌های زیادی بوده است. بزرگترین تکانه مثبت مربوط به سال ۲۰۱۳ (که ارزش صادرات پتروشیمی از ۱۴۶۴۵۶ در سال ۲۰۱۲ به ۲۳۷۵۶۷ میلیارد ریال در سال ۲۰۱۳ رسید) (۴) می‌شود و بزرگترین تکانه منفی مربوط به سال ۲۰۱۴ است.



نمودار ۳: چرخه‌های تجاری ارزش صادرات پتروشیمی در اقتصاد ایران (۲۰۰۱-۲۰۱۶) به قیمت ثابت ۲۰۱۰

منبع: محاسبات پژوهش بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران و فیلتر هادریک-پرسکات

بنابراین استفاده از ظرفیت ارزش صادراتی فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی (به عنوان مقابله با ضربه پذیری درآمدهای نفتی) باید با توجه به نوسان‌های به وجود آمده مورد توجه قرار گیرد و تجزیه و تحلیل این موارد می‌تواند در کتب مرتبط اقتصاد مقاومتی، آورده شود. بند ۱۴: این بند به افزایش ذخائر راهبردی نفت و گاز کشور با حفظ میادین مشترک تاکید دارد. طبق جدیدترین گزارش BP ((BP Statistical Review Of World Energy (2017)) از نظر نفت، ایران در پایان سال ۲۰۱۶، پس از کشورهای ونزوئلا، عربستان سعودی و کانادا، دارای بیشترین ذخائر اثبات شده در جهان است. از نظر تولید نیز در رده چهارم جهان قرار دارد. از نظر گاز طبیعی، ایران در پایان سال ۲۰۱۶، رتبه اول را از نظر ذخائر اثبات شده در جهان دارد. از نظر تولید نیز پس از کشورهای آمریکا و روسیه، رتبه سوم را در جهان داراست. بنابراین، ذخائر راهبردی کشور بسیار مطلوب است. اگرچه به دلیل تکنولوژی ضعیف، بهره برداری در میادین مشترک به خوبی صورت نگرفته است. ایران با کشورهای همسایه ۲۸ میدان هیدروکربنی به صورت مشترک دارد. ۱۸ میدان نفتی، ۴ میدان گازی و ۶ میدان به صورت توأمان دارای ذخائر نفت و گاز است. طبق اظهارات برخی از پژوهشگران، همسایگان به طور متوسط ۹ برابر ایران برداشت می‌کنند و عقب ماندگی ایران از سه کشور عربستان، عراق و قطر سالانه بالغ بر ۱۷ میلیارد دلار می‌شود (۵).

بند ۱۵: این بند به افزایش ارزش افزوده بخش نفت از طریق تکمیل و توسعه زنجیره ارزش اختصاص دارد. طبق جدول داده- ستانده سال ۱۳۹۰، مقادیر پیوندهای پیشین و

پسین بخش های نفت خام و گاز طبیعی، فرآورده های نفتی و پتروشیمی (بخش های پایین دستی نفت و گاز) به صورت زیر است:

جدول ۱: مقادیر پیوندهای پیشین و پسین بخش نفت و گاز و بخش های پایین دستی آن

نام بخش	پیوند پیشین	پیوند پسین
نفت خام و گاز طبیعی	۰.۶۲	۱.۱۳
فرآورده های نفتی	۱.۱۸	۳.۸۰
پتروشیمی	۱.۲۸	۳.۶۷

منبع: محاسبات پژوهش بر اساس جدول داده- ستانده سال ۱۳۹۰

همان گونه که ملاحظه می شود، بخش های پایین دستی نفت و گاز، بیش از خود بخش، در چرخه تولید نقش ایفا می کنند. اگر تقاضای نهایی بخش نفت خام و گاز طبیعی یک واحد افزایش یابد، تولید در کل اقتصاد ایران ۰.۶۲ واحد افزایش می یابد. این در حالی است که اگر ارزش افزوده این بخش یک واحد افزایش یابد، تولید در کل اقتصاد ایران ۱.۱۳ واحد زیاد می شود. این در حالی است که پیوندهای بخش های پایین دستی نفت خام و گاز طبیعی، بسیار قوی تر است. بنابراین می توان به خلق ارزش افزوده با توسعه بخش های پایین دستی نفت خام و گاز طبیعی در اقتصاد ایران اقدام نمود.

بند ۱۸: این بند ناظر به افزایش سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز است. سهم صندوق توسعه از محل درآمدهای نفتی طی سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ به شرح ذیل است:

جدول ۲: سهم صندوق توسعه ملی از درآمدهای نفتی (درصد)

سال	سهم (درصد)
۱۳۹۰	۲۰
۱۳۹۱	۲۳
۱۳۹۲	۲۸
۱۳۹۳	۳۱
۱۳۹۴	۲۰
۱۳۹۵	۲۰

منبع: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران،

بررسی عملکرد صندوق توسعه ملی ایران، معاونت بررسی های اقتصادی، مرکز گردآوری و تحلیل آمار

این در حالی است که سهم صندوق در سال اول برنامه ششم توسعه ۳۰ درصد تعیین شده است و مقرر گردیده است که سالانه حداقل ۲ درصد به این سهم افزوده شود. بنابراین می‌توان گفت که عملکرد فوق، همراه با نوسان بوده و از یک روند مشخص تبعیت نمی‌کند.

با توجه به موارد فوق می‌توان گفت:

- نوسان‌های شدید در خصوص درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران خصوصاً در سال‌های اخیر وجود داشته است. لیکن چنین وضعیتی در خصوص فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی نیز وجود دارد. بنابراین، جایگزینی درآمد حاصل از صادرات فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی با درآمدهای نفتی باید با دقت صورت پذیرد.
- ذخائر راهبردی نفت خام و گاز طبیعی کشور بسیار مناسب است. لیکن در برداشت از میادین مشترک به نحو مطلوب اقدام صورت نگرفته است.
- توسعه بخش‌های پایین دستی نفت خام و گاز طبیعی به منظور افزایش ارزش افزوده در کشور بسیار موثر است.
- سهم صندوق توسعه ملی از محل درآمدهای نفتی طی سال‌های اخیر با نوسان‌های زیادی روبرو است و از ۲۰ درصد تا ۳۱ درصد را شامل می‌شود. حال باید دید که افزایش صعودی سهم صندوق در برنامه ششم توسعه محقق می‌شود یا نه.

۳.۵ ابعاد سلبی و ایجابی بخش نفت در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

یکی دیگر از مواردی که در کتاب ابعاد اقتصاد مقاومتی در صنعت نفت مورد توجه قرار نگرفته است، توجه به ابعاد سلبی و ایجابی بخش نفت است. بُعد سلبی در خصوص کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و بُعد ایجابی در بحث نقش درآمدهای نفتی در توسعه، نمود پیدا می‌کند. خاطر نشان می‌شود که یکی از اهداف مهم در هر اقتصاد، دستیابی به رشد اقتصادی است و این امر در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، مورد تاکید قرار گرفته است. لذا، باید منابع رشد اقتصادی با توجه به متن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و تبیین نقش درآمدهای نفتی و سایر درآمدها در این خصوص، مورد توجه قرار گیرد.

- با امعان نظر در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، بندهای ذیل در خصوص ابعاد سلبی (کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و دستیابی به رشد اقتصادی)، قابل ذکر است (۶).
- بند ۲: به نقش اقتصاد دانش بنیان در تولید و صادرات اشاره دارد. امروزه پذیرفته شده است که اقتصاد دانش بنیان، نقش مهمی در رشد و توسعه اقتصادی کشورها از طریق افزایش بهره‌وری، کاهش تورم و بیکاری دارد (۷).
- بند ۳: به تقویت عوامل تولید با محور قرار دادن رشد بهره‌وری اشاره می‌کند. رشد بهره‌وری نیز یکی از عوامل موثر بر رشد اقتصادی است (۸).
- بند ۵: سرمایه انسانی به عنوان یک عامل موثر بر رشد اقتصادی مدنظر قرار گرفته است (۹).
- بند ۱۷: استفاده از درآمدهای مالیاتی به منظور اصلاح نظام درآمدی دولت مورد تاکید قرار گرفته است (۱۰).
- بند ۱۹: مقابله با فساد و شفاف سازی اقتصاد در جهت نیل به رشد اقتصادی (۱۱).
- همان گونه که ذکر شد، موارد فوق می‌توانند به عنوان جایگزین درآمدهای نفتی در فرآیند رشد اقتصادی موثر واقع شوند.
- لذا، مطالعات تجربی نشان می‌دهند که موارد فوق (اقتصاد دانش بنیان، رشد بهره‌وری، سرمایه انسانی، درآمدهای مالیاتی و مقابله با فساد)، می‌توانند در کنار درآمدهای نفتی، موجب رشد اقتصادی شوند.
- ابعاد ایجابی به نقش درآمدهای نفتی در توسعه اقتصاد اشاره دارد. اگر توسعه اقتصادی، افزایش مداوم ظرفیت تولید یک جامعه براساس تکنولوژی پیشرونده تعریف شود (۱۲)، موارد ذیل، با توجه به متن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی قابل ذکر است:
- افزایش مداوم ظرفیت تولیدی جامعه، ناظر به رشد اقتصادی است که یکی از اهداف اصلی اقتصاد مقاومتی به شمار می‌رود.
 - تکنولوژی پیشرونده، با اجرای بندهای ۲ (اقتصاد دانش بنیان) و ۵ (سرمایه انسانی) سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، مصداق می‌یابد.
- بنابراین باید درآمدهای نفتی در راستای رشد اقتصادی، اقتصاد دانش بنیان و سرمایه انسانی صرف شود تا توسعه اقتصادی (به عنوان ابعاد ایجابی درآمدهای نفتی)، محقق

شود. در راستای موارد فوق، می‌توان از مدل‌های اقتصادسنجی و تعادل عمومی بهره‌گرفت و در کتب مرتبط، مورد استفاده قرار داد.

۶. نتیجه‌گیری

بند ۲۱ سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی، بر گفتمان سازی سیاست‌ها به ویژه در محیط‌های علمی، آموزشی و رسانه‌ای تأکید دارد. یک از روش‌های تحقق بند فوق، بررسی و واکاوی آثار چاپ شده در این حیطه است، به گونه‌ای که بتوان، پژوهش‌های تحلیلی مفید به منظور اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را باز شناخت. یکی از آثار به چاپ رسیده در این خصوص، "ابعاد اقتصاد مقاومتی در صنعت نفت" نام دارد. بررسی شکلی کتاب نشان از آن دارد که به منظور استفاده از منبع درسی تألیف نشده است. گرچه می‌تواند یک اطلاعات کلی به خوانندگان منتقل نماید. طرح روی جلد، نماد و نشان مشخصی از اقتصاد مقاومتی ندارد. به علاوه، وجود اغلاط املائی زیاد در سرتاسر کتاب، فهم آن را مشکل می‌کند. لذا، نیاز به ویرایش کتاب احساس می‌شود. تحلیل محتوایی اثر بیانگر این است که نویسندگان در صدد برقراری ارتباط بین اقتصاد اسلامی و اقتصاد مقاومتی هستند. به بیان دیگر، رویکرد اقتصاد مقاومتی را اسلامی می‌دانند. لیکن این امر که به صورت ضمنی مورد توجه آن‌هاست، اثبات نمی‌شود. فصل دوم کتاب، به مروری بر بندهای سیاست اقتصاد مقاومتی و مکاتبات و سخنرانی‌ها اختصاص یافته است و کوشش نشده است که مفاهیم اقتصادی از مجموعه فوق، احصا شود. محدود بودن ابزار علمی (فقط به کارگیری جدول)، فقدان ادبیات موضوع، عدم تحلیل پژوهش‌های انجام شده مرتبط با پژوهش، موجب شده است که جنبه خبری و خطابه‌ای بر کتاب حاکم شود. به علاوه، انسجام بین فصول در کتاب مشاهده نمی‌شود. به عنوان نمونه در فصل سوم و پس از دو بخش مربوط به اقتصاد اسلامی و اقتصاد مقاومتی (فصول اول و دوم)، به تاریخچه صنعت نفت اشاره شده است که ارتباطی با بخش نفت و بندهای مرتبط با آن در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ندارد. بررسی منابع به کار گرفته شده در کتاب نشان می‌دهد که در متن به اندازه کافی از منابع معتبر علمی استفاده نشده است. از آن جا که هدف کتاب به طور مشخص تصریح نشده است، تعیین سازگاری با مبانی و پیش فرض‌های مفروض، سالبه به انتفاء موضوع است. به منظور بیان نقش بخش نفت و گاز در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی (که در کتاب مورد توجه قرار نگرفته است)،

با استفاده از داده‌های بانک مرکزی و مرکز آمار ایران، تحلیل مختصری (به عنوان مقدمه ای بر پژوهش‌های آتی)، در این مقاله انجام پذیرفته است. در نهایت، این اثر گرچه نتوانسته است ابعاد اقتصاد مقاومتی در صنعت نفت را به صورت تحلیلی تبیین نماید، لیکن برای اطلاع اجمالی از سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و برنامه‌های وزارت نفت در این خصوص، قابل استفاده است. لذا، برخلاف نظر نویسندگان محترم کتاب، مرجع کاملی در حوزه مورد بحث به شمار نمی‌آید (۱۳).

پی‌نوشت‌ها

۱. احتمالاً این پژوهش، به سفارش دانشگاه عدالت بوده است.
۲. البته در کتاب به صورت "مطلبید" چاپ شده است.
۳. این در حالی است که عمر تشکیل وزارت نفت نزدیک به ۴۰ سال است.
۴. طبق آمار منتشر شده توسط مرکز آمار ایران
۵. ارقام فوق از اظهارات حسین آفریده، رییس پژوهشکده نفت و گاز و پتروشیمی دانشگاه امیرکبیر با روزنامه شرق و از وبگاه تسنیم (۹۵/۴/۲۶-۱۴:۵۱ شناسه خبر: ۱۱۳۱۳۸۵) اخذ گردیده است. لازم به ذکر است که وزارت نفت از سال ۱۳۸۹، اطلاعات جدیدی در این خصوص منتشر نکرده است. به طور کل، تمامی پژوهشگران بر ضعف ایران در برداشت از میادین مشترک، تاکید دارند.
۶. در ادامه، به یک نمونه از پژوهش‌های کاربردی صورت گرفته در هر یک از بندهای مرتبط اشاره شده است. بدیهی است، گستره پژوهش‌های انجام شده وسیع بوده و عناوین ذکر شده فقط به عنوان نمونه آورده شده اند.
۷. گرجی زاده و شریفی رنانی (۱۳۹۳)
۸. نصرالله نیا، مداحی و رحمانی زاده (۱۳۹۳)
۹. رضا قلی زاده و آقایی (۱۳۹۶)
۱۰. رنجبر، صامتی و مالیان (۱۳۹۵)
۱۱. صباحی و ملک الساداتی (۱۳۸۸)
۱۲. موسوی جهرمی، یگانه (۱۳۸۹)
۱۳. به نقل از صفحه ۱۸۲ کتاب

کتابنامه

- بانک مرکزی جمهوری اسلامی (۱۳۹۶). «بانک اطلاعات سری زمانی». <https://www.tsd.cbi.ir>
- رضا قلی زاده، مهدیه و مجید آقایی (۱۳۹۶). «سرمایه انسانی و بهره وری نیروی کار در استان‌های ایران»، مجله اقتصادی، فروردین و اردیبهشت، شماره ۱ و ۲، صص ۵۹-۷۶.
- رنجیر، همایون، صامتی، مجید و مهسا مالیان (۱۳۹۵). «امکان جایگزینی درآمدهای مالیاتی با درآمدهای نفتی (مطالعه موردی ایران)»، فصلنامه اقتصاد کاربردی، پاییز و زمستان، شماره ۱۹، صص ۲۷-۳۸.
- زرانژاده، منصور (۱۳۹۵). «بررسی و نقد کتاب تحلیلی بر شاخص‌های کلان اقتصادی در ایران (با رویکرد اقتصاد مقاومتی)»، پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ویژه نامه اقتصاد مقاومتی، صص ۲۹-۴۹.
- سید اخلاقی، محمد (۱۳۸۰). «راه و رسم تعیین حروف و انتخاب قطع کتاب». جهان کتاب. آبان، شماره ۴-۱۳۳، صص ۷-۴۴.
- شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی (۱۳۹۰). «پرسشنامه نقد و بررسی متون و کتب علوم انسانی (کتب ملی)». <http://www.shmoton.ir>
- صباحی، احمد و سعید ملک الساداتی (۱۳۸۸). «اثر کنترل فساد بر رشد اقتصادی»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۵۳، صص ۱۳۱-۱۵۸.
- گرچی زاده، عطیه و حسین شریفی رنایی (۱۳۹۳). «نقش اقتصاد دانش بنیان در کنترل تورم»، فصلنامه مدل سازی اقتصادی، تابستان، شماره ۲۶، صص ۱۰۷-۱۲۵.
- مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۹۲). «سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ابلاغی مقام معظم رهبری، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۶). «ارزش ریالی آمار بازرگانی خارجی ایران». <https://www.amar.org.ir>
- مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۴). «پایه‌های آماری بهنگام‌سازی جدول داده-ستانده برای سال ۱۳۹۰، تهران: دفتر مطالعات اقتصادی.
- ملک زاده، محمد شریف و مرتضی عابدینی (۱۳۹۴). «ابعاد اقتصاد مقاومتی در صنعت نفت، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.
- میرجلیلی، سیدحسین (۱۳۹۵). «نقد و تحلیل متون خارجی منتشره در زمینه مقاومت اقتصادی». همایش اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل. ۲۴ تیرماه ۱۳۹۵. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، گروه اقتصاد. شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی.
- نصراله نیا، محمد، مداحی، محمدابراهیم و فرزانه رحمانی زاده (۱۳۹۳). «بررسی عملکرد بهره وری در رشد اقتصادی ایران و برخی کشورهای عضو سازمان بهره وری آسیایی»، فصلنامه دانش مالی و تحلیل اوراق بهادار، پاییز، شماره ۲۳، صص ۱۰۹-۱۲۳.

فرهاد ترحمی و علی اصغر اسفندیاری ۵۱

وبگاه تسنیم (۱۳۹۵). «مصاحبه با حسین آفریده، رییس پژوهشکده نفت و گاز پتروشیمی دانشگاه امیرکبیر»، شناسه خبر: ۱۳۱۳۸۵.

BP Statistical Review of World Energy, June 2017. <https://www.bp.com>